

بشری



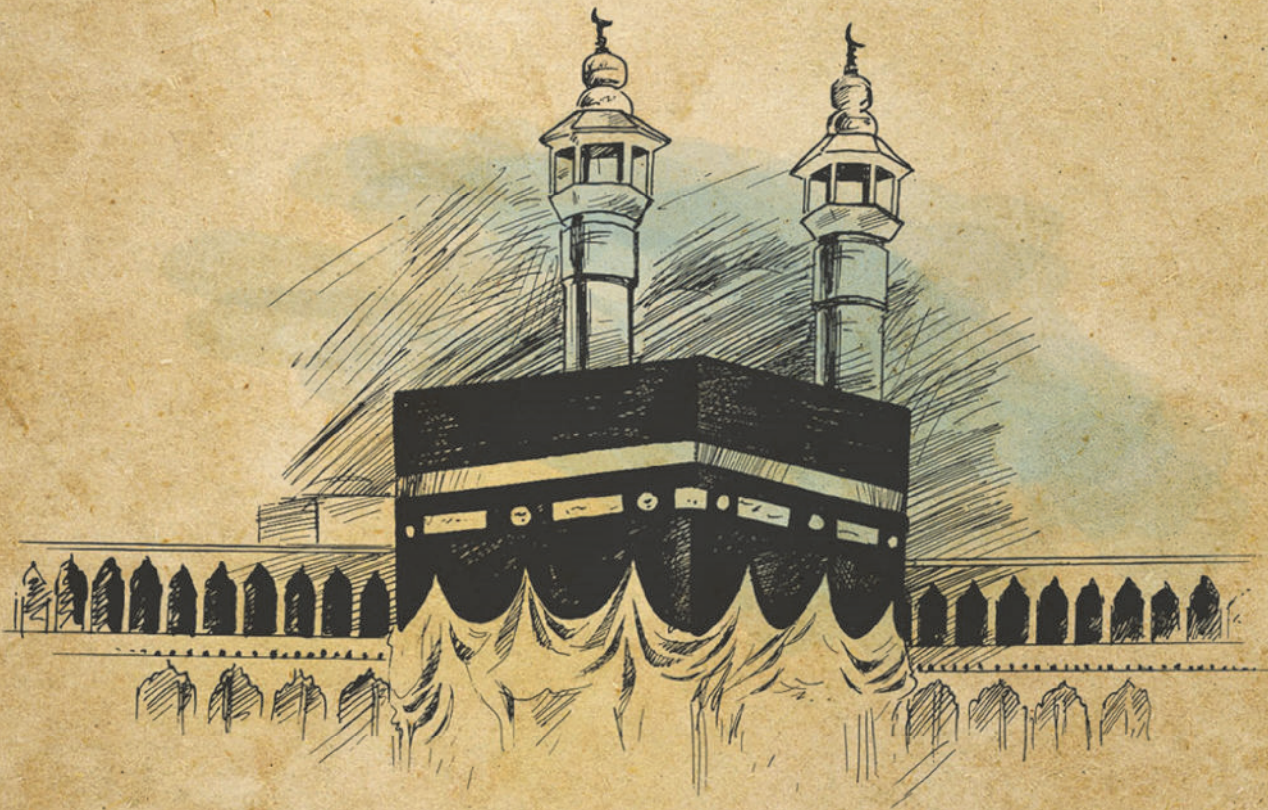
علمی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی

شماره ۲۴۷

خرداد ۱۴۰۴

ISSN 1735-3658 شماره ثبت بین المللی

اولین نشریه دوگانه ویژه نابینایان و کم بینایان در خاورمیانه



با شادی عید ولایت بخوانید

- اطلاعیه ۲
- چیستی ای غدیر؟ ۲
- قنوت‌های قرآنی ۵
- جاری گشت دریا در غدیر ۶
- ادریس ستاره‌شناس ۸
- یک تقدیر و خدا قوت! ۱۰
- کوله‌پشتی تجربه ۱۱
- خدا همین نزدیکی‌هاست! ۱۲
- سندهای افتخار ۱۴
- بدانید آنچه نمی‌دانند! ۱۶
- آخرین حرف ۱۸
- خورشید پشت ابر ۲۰
- نمی‌خواهد خودش باشد! ۲۱
- سوخته و ساخته‌ایم! ۲۲
- تو و مادرت ۲۳
- سفارش برای خانم‌ها ۲۵
- روستای ایبانه ۲۷
- رادار چیست؟ ۲۹
- آداب آشامیدن ۳۰
- توت سفید ۳۱
- چند توصیه خوراکی ۳۲
- بهار خند ۳۳

اطلاعیه

قابل توجه مشتریان گرامی! حق اشتراک ماهنامه بشری در سال ۱۴۰۴ برای ماهنامه بریل مبلغ ۲۰۰۰۰۰ هزار تومان و برای ماهنامه دوگانه مبلغ ۲۵۰۰۰۰ هزار تومان تعیین شده است. لطفاً حق اشتراک خود را حداکثر تا پایان مرداد به شماره کارت مندرج روی جلد ماهنامه واریز و تاریخ و ساعت واریز را در تماس با دفتر بشری اطلاع دهید.

چیستی‌ای غدیر؟

ای غدیر! با ما بگو تو چیستی یا کیستی؟ تو بر که آرמידه در دل صحرا اما جاری تا عمق تاریخی! تو یک آبگیر آرام و خاموش نیستی، تو مادر همه اقیانوس‌ها شده‌ای! تو چشمه جوشان عشق و ایمانی! تو پیام‌آور آزادی انسانی! بر که‌ای از نور، طنین آواز حقیقت، بر آمده از نای سبزه‌زاران حیاتی! ای غدیر! ای سایه‌سار امید رهایی بشر، روح ماندگار معنا و ای حدیث حادثه والا! تو یادگار یادها و تلاوت ارزش‌های اعلایی، تو تداوم توحید و بازتاب فریادهای خورشیدی! تو نه یک چشمه بلکه دریایی، نشاط گرفته از ازل و جاری تا ابد! تو اسرار دل پاک ابراهیم خلیل هنگام پی‌ریزی کعبه ایمان و بالا بردن پایه‌های اسلام تا عرش خداوندی هستی!

ای غدیر! تو سرشار از برکت نوحه‌های نوح و مددکار رهایی
کشتی او در تلاطم توفانی! تو فرزند سعی ساره و هجر هاجر و
زمزمه زمزمی! تو پاره‌ای از نیل هستی که موسی و قومش به نشانه
فرو رفتن در رحمت و برکت الهی، در آن گام نهادند و به سلامت
و میمنت و برکت از آن بیرون آمدند! ای غدیر! تو جانبخش دل‌ها
همچون دم عیسی مسیح و متبرک از زهد زکریایی! تو شفاف‌ترین
آب‌هایی و منعکس کننده خورشیدی! تو تجلی اراده خداوند و
تکمله باور ما و تأمل در دفتر زندگی گذشتگانی! تو تنها یک حادثه
تاریخی یا نام یک سرزمین نیستی! چشمه‌ای بهشتی هستی که تا
پایان زندگی بشر می‌جوشد! از وقتی به شرف میزبانی از
بزرگترین رویداد تاریخ اسلام مفتخر شدی، دیگر یک کلمه یا یک
برکه نیستی! یک دریا شده‌ای از ناگفته‌ها و گفته‌ها! دریایی از
تفکر و رمزی بین خدا و انسان! هنوز دریای غدیر از ریزش آبشار
وحی بر جان محمد(ص) لبریز است و قامت دین در زلال غدیر خم،
انعکاس می‌یابد! ای تک درخت کنار آبگیر! سایه‌ات را همچنان بر
سر ما و همه دوست‌داران حق و حقیقت بگستران! ما آمده‌ایم با
حقیقت بیعت کنیم که امروز هم دیر نیست!

ای غدیر! همان گونه که نام تو با هجدهم ذی الحجه گره خورده،
بند بند وجود ما نیز به ریسمان واقعه تو تنیده است! گویی هر
جرعه آبی که می نوشیم، با دستان قهرمان تو متبرک شده و
پیاله‌ای است از حوض کوثر که سقای آن ساقی جنت است! هرگاه
کسی از ولایت امیر قافله ایمان سخن می گوید، گویا امین وحی
هم اکنون ندا درمی دهد که: «یا ایها الرسول!» ای غدیر! خوش به
سعادت که روزی از روزهای خدا، نفس‌های جانبخش خاتم رسل
و سرسلسله امامت، آب تو را معطر کرد به عطری که تا زمین
برپاست و زمان برجا، مشام مهرکیشان حق طلب را می نوازد! ای
غدیر! بر خود بیال زیرا همان گونه که کعبه عشق و نگین تابناک
شهر مکه، صدف گوهر فاطمه بنت اسد شد؛ تو نیز نماد تکمیل
رسالت و اتمام نعمت شدی! هرچند تو از گذشته یک مدال افتخار
بر سینه داشتی و داری و آن هم آب بودنت است! آب بودن،
شرافت بزرگی است زیرا آب، مهریه زهرا(س) است! ای غدیر!
عجب آبی شدی تو! آبی متبرک به دو گوهر فاطمی و علوی!
عجب نوری که علی نور شدی!

«سپیدار»

قنوت‌های قرآنی

در این شماره از بشری چند آیه دیگر از قرآن کریم که به‌عنوان قنوت می‌توان در نمازها خواند، ذکر می‌کنیم:

سوره حشر، آیه ۱۰: «پروردگارا! ما و برادران ما را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، پیامرز و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمی!»

دعای بندگان خاص خدای رحمان: سوره فرقان، آیات ۶۵ و ۶۶: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذابش سخت و شدید و پردوام است چراکه جهنم بد جایگاه و بد محل اقامتی است!»

دعای پرهیزکاران: سوره آل عمران، آیه ۱۶: «پروردگارا! به راستی که ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را ببخش و ما را از عذاب آتش حفظ فرما!»

دعا برای نعمت دنیوی و رحمت اخروی: سوره بقره، آیه ۲۰۰: «پروردگارا! در دنیا رحمت و نعمت به ما عنایت کن. هر که از رحمت تو محروم شد، در آخرت بهره‌ای ندارد.»

دعا برای دور کردن انسان‌های بدکار: سوره احزاب، آیه ۶۸:

«پروردگار ما، آنها که ما را گمراه نموده‌اند، عذاب آنها را
دوچندان کن و از نعمت‌های خود محروم ابدی فرما!»
دعا برای آسان شدن کارهای سخت: سوره طه، آیه ۲۶: «و کارم
را برایم آسان گردان.»

آرزوی بهتر از آنچه از دست رفته: سوره قلم، آیه ۳۳:
«امیدواریم پروردگار ما (ما را ببخشد و) بهتر از آن به جای آن به
ما بدهد چرا که ما به او علاقه‌مندیم.»
«فردای تازه»

جاری گشت دریا در غدیر

چشمه‌ها جوشید و جاری گشت دریا در غدیر
باغ عشق و آرزوها شد شکوفا در غدیر
فصل باران بود و رویش، فصل سبز زیستن
خنده گل می‌کرد بر لب‌های صحرا در غدیر
بود پیدا در زلال جاری تکبیرها
نقطه پایانِ عمر تشنگی‌ها در غدیر
جبرئیل آمد که «بلغ یا محمد» همتی
حکم یزدان است و باید کرد اجرا در غدیر
رفت بالا از جهاز اشتران و خطبه خواند

خطبه‌ای شور آفرین و شورافزا در غدیر
تا که بردارد پیمبر پرده از رازی بزرگ
کرد بیرون ز آستین، دست خدا را در غدیر
عرشیان در اشتیاق خاکیان می‌سوختند
تا علی با دست احمد رفت بالا در غدیر
گفت: «هر کس را منم مولا، علی مولای اوست»
کرد گل، گل نغمه احمد چه زیبا در غدیر
نخل سرسبز نبوت شد گل آرا تا که شد
از فروع دین، تولا و تبراً در غدیر
دست رد بر سینه اغیار می‌زد آشکار
عاد من عاداه او افکند غوغا در غدیر
گاه بیعت بود و بدعت پا به پای فتنه‌ها
خیمه می‌زد در کنار آرزوها در غدیر
یاد دارید ای بهشتی سیرتان، مولا علی
از قیام خود قیامت کرد برپا در غدیر
کهکشان در کهکشان، اشراق بود و روشنی
از طلوع آفتاب عالم آرا در غدیر

دست افشانی کند گردون که با دست خدا

فتنه‌های دیرپا افتاد از پا در غدیر

«محمد علی مجاهدی»

ادریس ستاره‌شناس

حضرت ادریس (Σ) پس از آدم و شیث (Σ)، به مقام پیامبری رسید. او به قولی جد پدری حضرت نوح (Σ) بوده و نامش در تورات، «اخوخ» ذکر شده است. به این دلیل او را ادریس نامیده‌اند که برای نخستین بار با قلم، خط نوشت. در آیات ۸۵ و ۸۶ سوره انبیا و آیه ۵۶ سوره مریم، به نام او اشاره شده است.

خدمات ادریس (Σ) به بشریت این پیامبر، رهبری قومش را بر عهده گرفت و علاوه بر هدایت معنوی، کمک‌های مادی فراوانی به آنها کرد. او گذشته از نبوت، از ستاره‌شناسی و حساب نیز آگاهی داشت. وی نخستین کسی است که طرز دوخت لباس و آداب شهرنشینی را به مردم آموخت، تقویم را ابداع کرد و برای نخستین بار، برای جهاد در راه خدا از اسب استفاده کرد. در مدتی که سرگرم ارشاد مردم بود، حدود ۳۰ صحیفه به او ابلاغ شد. گویا ادریس به پادشاهی هم رسید چون در روایات، از او با عنوان

«مثلث الحکمت» یاد شده که سه صفت پیامبری، پادشاهی و دانش را داشته است.

امام صادق (ع) فرمودند: «هنگام ورود به شهر کوفه، از مسجد سهله دیدن کن و در آن جایگاه باعظمت نماز بگزار و حل مشکلات دینی و دنیایی خود را در آنجا از خدای مهربان درخواست کن. مسجد سهله، خانه ادریس (ع) است! پیامبری که در آنجا به پیشه خیاطی مشغول بود و نمازش را در آن جایگاه اقامه می کرد.»

ادریس (ع) در بهشت آن حضرت پیوسته روزه دار بود و به عبادت می پرداخت و چنان به این کار اشتغال داشت که فرشتگان مشتاق دیدار او شدند. ملک الموت به شکل یک انسان نزد ادریس (ع) آمد تا جان او را بگیرد. ادریس روزه دار بود و هنگام افطار، از ملک الموت خواست با او هم غذا شود ولی حضرت عزرائیل از خوردن خودداری کرد. ملک الموت وقتی خواست کار قبض روح این پیامبر را به پایان برساند، او را همراه خود به آسمان سوم برد و دوزخ را به او نشان داد! سپس وی را به بهشت برد. چنین مشهور است که ادریس (ع) وارد بهشت شد و دیگر از آن بیرون نیامد و در

بهشت جاودان برای همیشه ماند. ادریس در ادبیات ایران، الگویی برای عروج و کمال معنوی است.

در روایت معراج آمده است که پیامبر خدا (ﷺ) فرمودند: «در آسمان چهارم، ادریس را دیدم. به او سلام دادم و برایش طلب مغفرت کردم. او هم برای من درخواست آمرزش کرد.» از ادریس (Σ) سخنان حکمت آمیزی نقل شده است از جمله:

* بهترین راه شکرگزاری نعمت‌های خداوند، نیکی به دیگران است.

* سوگند دروغ نخورید و دروغ‌گویان را سوگند ندهید.

* از مشاغل پست، دوری کنید.

* در پیشگاه خداوند، با نیت‌های خالص قدم بردارید.

* گناه آنهایی که ظلم را می‌پذیرند، کمتر از ظالم نیست. آنان اگر ظلم را نپذیرند، ظالمی پیدا نخواهد شد تا آنها را به بردگی بکشاند.

«احمد بانپور»

یک تقدیر و خدا قوت!

مدتی قبل و در پی به روز نشدن نرم افزار مربوط به فایل‌های قرآن و ادعیه انتشارات ندای بشری و جایگزین شدن نرم‌افزار

جدید و در نتیجه، ناهماهنگی رسم الخط عربی این دو نرم افزار،
زمان زیادی برای رفع این عدم تطابق رسم الخط نیاز بود که
همکار افتخاری ماهنامه، جناب آقای عبدا... دادخواه با تلاش
شبانه‌روزی به بازیابی فایل‌های قرآن و ادعیه کمک کردند و
اکنون متن قرآن بدون ترجمه در ۳۰ جلد و تعدادی از دعاها
آماده ارائه به دوستان گرامی است! در اینجا از لطف و محبت این
یار همیشه همراه تقدیر و موفقیت روزافزون ایشان را آرزو
می‌کنیم.

کوله پستی تجربه

✍ بازیگر زندگی باشیم نه بازیچه آن!

✍ محبت، تجارت نیست! چرتکه نیندازیم که من چه کردم، تو چه
کردی؟ بی‌شمار محبت کنید. اگر خوبی ما وابسته به رفتار دیگران
باشد، این دیگر خوبی نیست بلکه معامله است!

✍ کفشی که برای پای تو مناسب است، شاید پای دیگران را زخم
کند. اشتباه است که راه زندگی خود را برای دیگران مناسب
بدانیم!

✍ اگر عقاید خود را با تفکر و مطالعه به دست بیاورید، کسی

نمی‌تواند به آنها توهین کند! اگر کسی چیزی بر خلاف عقاید ما بگوید، عصبانی نمی‌شویم یا می‌خندیم یا به فکر فرو می‌رویم! هرگز پلی را که از روی آن عبور می‌کنی، خراب نکن؛ حتی اگر دیگر مسیرت به آنجا نمی‌خورد! در زندگی از اینکه چقدر مجبور می‌شوی از روی یک پل قدیمی عبور کنی، تعجب خواهی کرد!

آدم‌ها بازی کردن را دوست دارند، این تو هستی که انتخاب می‌کنی هم‌بازی آنان بشوی یا اسباب‌بازی آنان! از عقاب پرسیدند: «آیا ترس به زمین افتادن نداری؟» عقاب لبخندی زد و گفت: «من انسان نیستم که با کمی به بلندی رفتن، تکبر کنم! من در اوج بلندی، نگاهم به زمین است!»
خدا همین نزدیکی‌هاست!

مرد، دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! سلام! امشب می‌خواهم اندکی با تو صحبت کنم. امشب به کسی برای شنیدن سخنانم نیاز دارم، به کسی برای گوش دادن به نگرانی‌ها و ترس‌هایم! خدایا! تو شاهدی که به تنهایی نمی‌توانم! از تو می‌خواهم تا خانواده‌ام را در پناه خود حفظ کنی و زندگی‌شان را

پراز اطمینان و اعتماد کنی! به من ایمانی عطا کن تا بدون ترس و
واهمه با لحظه لحظه زندگی مواجه شوم. خدایا! سپاسگزارم که به
حرف‌هایم گوش دادی.»

آنگاه ادامه داد: «خدایا! با من حرف بزن!» سینه سرخی آواز
خواند اما مرد نشنید. پس دوباره گفت: «خدایا! با من حرف بزن!»
آسمان غرشی کرد اما مرد باز هم نشنید. به اطراف نگاهی
انداخت و گفت: «خدایا! بگذار تا تو را ببینم!» ستاره‌ای در
آسمان، چشمک زد اما مرد ندید و فریاد زد: «خدایا! معجزه‌ای به
من نشان بده!» نوزادی به دنیا آمد ولی مرد متوجه نشد و در
ناامیدی گریه سر داد و گفت: «خدایا! مرا لمس کن! بگذار بدانم
که در اینجا حضور داری!» پروانه‌ای روی شانه‌اش نشست اما مرد
آن را دور کرد و فریاد زد: «خدایا! به کمکت نیاز دارم.» نامه‌ای
دریافت کرد پر از خبرهای شاد و امیدوار کننده ولی آن را خواند
و کناری انداخت و از آنجا دور شد!

خدا در همین نزدیکی‌هاست، در همین چیزهای به ظاهر ساده و
بی‌اهمیت! نعمت‌های خداوند ممکن است آن‌طور که منتظرش
هستید، به دست‌تان نرسد!

«اباصلت رسولی»

سندهای افتخار

وقتی ماه زیبای خرداد فرا می‌رسد، ستاره‌ای درخشان در آسمان ایران خودنمایی می‌کند که نور آن چشم جهانیان را خیره می‌کند. این ستاره، شهری خرم و شاد است که مدتی نه چندان طولانی اما بسیار رنج‌آور و دردناک را در چنگال سیه‌رویان کینه‌توز اسیر بود. هنگامی که دل مام میهن از اسارت تکه‌ای از پیکرش به درد آمد، گروهی از فرزندان برومند او سینه‌ها را سپر کردند و آن قدر خون پاک خود را در اطراف این شهر جاری کردند که متجاوزان ترسو از بیم غرق شدن در این سیل ایمان و اراده، فرار را بر قرار ترجیح دادند و خیل کثیری از آنان نیز دستان خود را به علامت تسلیم بالا بردند. در این نبرد نابرابر ظاهراً کفه ترازوی سلاح و مهمات متجاوزان، بسیار سنگین بود اما کفه عزم و ایمان و توکل مدافعان، آن قدر سنگین‌تر شد که نتیجه را به نفع صاحبان خاک رقم زد.

گرچه شهر خرم ما به آغوش مادر بازگشت اما نباید حماسه‌های مدافعان نام آشنا و گمنام این خاک مقدس، زیر غبار فراموشی و غفلت ناپدید شود. بسیاری با سوءنیت و عمدتاً و گروهی هم به دلیل

جهل و نا آگاهی در صدد کم رنگ کردن رویدادهای جنگی هستند که تمام صاحبان زر و زور و تزویر در جهان را در یک صف و مردم آرام اما مصمم و مؤمن به امداد الهی را در صف دیگر رو در روی هم قرار داد. گرچه نسل کودک و نوجوان را آینده سازان جامعه معرفی می کنند اما ساختن آینده بدون درنگ در عملکرد گذشتگان و کسب عبرت و تجربه از زندگی آنان، نه امکان پذیر است و نه مفید!

بسیاری از افراد که برای ساختن آینده، چشمی به کشورهای دیگر مخصوصاً غرب دارند، نباید از این نکته مهم غافل شوند. با وجود گذشت چندین دهه از پایان جنگ جهانی - صرف نظر از علل و عواملان شعله ور شدن آتش آن - هنوز هم بسیاری از کشورهای درگیر در آن جنگ ویرانگر، ابزار سینما را برای تجسم جنگاوری سربازان خود و ستمگری طرفهای مقابل به کار می گیرند و بردن کودکان و نوجوانان و حتی هیئت های خارجی برای ادای احترام به بنای یادبود سربازان گمنام را فراموش نمی کنند. بنابراین، ملت قهرمان ایران که در جنگ هشت ساله، مورد حمله یک دست نشانده دهها دولت متجاوز قرار گرفت، چرا

نباید سربازان و سرداران رشید خود را به‌عنوان سند افتخار در دفاع شرافتمندانه به جهانیان معرفی کند؟! کمترین خسارت ناشی از کوتاهی در انجام این وظیفه، قطع ریسمان ارتباط نسل جوان با گذشته درخشان کشورشان است که پیامد اجتناب‌ناپذیر آن، بی‌تفاوتی این نسل در برابر طمع‌ورزی و دست‌اندازی بیگانگان به خاک ایران خواهد بود!

[[حسین یوسفی فرج‌زادی]]

بدانید آنچه نمی‌دانند!

بدانید آنچه را که دیگران نمی‌دانند! با کسی کار می‌کردم که زبان فرانسه را خوب صحبت می‌کرد. البته همه ما به زبان فرانسه صحبت می‌کردیم اما او از دانش خود به‌عنوان فرصتی برای رسیدن به اهدافش استفاده کرد یعنی همان چیزی که من و دیگران نسبت به آن بی‌اعتنا بودیم. او به کلاس‌های شبانه آموزش زبان فرانسه می‌رفت، هر سال تعطیلات را به فرانسه می‌رفت، مرتب مطالب صوتی به زبان فرانسه گوش می‌داد و رمان‌های فرانسوی را می‌خواند. مدت زیادی طول نکشید که او فرانسه را بسیار سلیس و روان صحبت می‌کرد. او فردی باهوش بود و با همین هوش و ذکاوتش پیش‌بینی کرده بود که در آینده

نزدیک، یک سفر کاری به فرانسه در پیش است. حدس او کاملاً درست بود. ما به اروپا رفتیم و آنجا بود که زبان فرانسه، مانند یک سرمایه ارزشمند موجب رشد و ترقی او شد.

دانستن آنچه دیگران نمی‌دانند، برای شما یک امتیاز و برتری به‌شمار می‌آید! این همان امتیازی است که باید به‌دنبال آن باشید. همکار من این امتیاز را از طریق یادگیری زبان فرانسه به‌دست آورد. در واقع او توانست با این ابزار، کاری برای خود دست و پا کند. شما نیز می‌توانید! کافی است استعدادها، مهارت‌ها، تخصص، شایستگی و لیاقت‌های خود را با دقت شناسایی و جایگاه مناسب خود را تعیین کنید. قبل از هر چیز باید نقاط ضعف و قوت خود را پیدا کنید و ببینید دانش و تخصص شما کجا به‌کار می‌آید. شاید شما مغز رایانه یا اعجوبه فناوری‌های دیگر باشید. شاید فرد خلاق و مبتکری باشید و بتوانید طبق قوانین کار، به آنچه دیگران نمی‌دانند، به‌راحتی دست یابید.

دوستی داشتم که در کار چاپ، مهارت کافی داشت. وقتی کار چاپ داشتیم، همیشه این مدیران بودند که به‌دنبال او بودند. در واقع، تخصص او در امر چاپ، امتیاز برتری او نسبت به دیگران

محسوب می‌شد. حالا با دقت به کارهایی که در محل کار شما انجام می‌شود، فکر کنید! به امور اجرایی یعنی مکاتبات، بایگانی، امور مالی، خدمات، امور فرهنگی، پژوهش و تحقیق، ترجمه، تحلیل و بررسی. خوب فکر کنید و ببینید در کدام یک از این حوزه‌ها جرأت و جسارت مانور دارید! شاید شما فردی هستید با روابط عمومی بالا که می‌توانید به راحتی مدیریت جلسات را بر عهده بگیرید. هر تخصصی داشته باشید، به شما اعتماد به نفس می‌دهد، موجب پیشرفت شما در زندگی می‌شود و از همه مهمتر اینکه کمک می‌کند تا با آرامش خیال به امور معیشت زندگی خود بپردازید.

«مترجم، شهلا پروین»

آخرین حرف

هرگز فرصت گفتن «دوستت دارم» را از دست ندهید! تلخ‌ترین اشک‌هایی که بر سر مزار رفتگان ریخته می‌شود، به دلیل کلمات ناگفته و کارهای ناکرده است!

سال قبل، «جیم» شوهر «کارول»، در یک تصادف کشته شد. او که فقط ۵۲ سال داشت، با خودرو از محل کارش به خانه می‌آمد که در حادثه رانندگی کشته شد. عجیب آن بود که روز درگذشت

جیم، مصادف شده بود با سالروز تولد همسرش. جیم هنگام مرگ، دو بلیت هواپیما برای سفر به هاوایی در جیب داشت. او می‌خواست همسرش را غافلگیر کند اما به دلیل غفلت یک راننده بی‌احتیاط کشته شد.

یک سال بعد، دوستی از کارول پرسید: «چگونه توانستی این مصیبت را تحمل کنی؟» چشم‌های کارول پر از اشک شد. او با مهربانی دست دوستش را گرفت و گفت: «روزی که با جیم ازدواج کردم، قول دادم هرگز بدون اینکه به او بگویم دوستت دارم، نگذارم خانه را ترک کند. این موضوع بین ما تبدیل به یک شوخی شده بود. وقتی بچه‌ها وارد زندگی ما شدند، انجام این کار دشوار شد اما تعطیل نشد. گاهی در پارکینگ می‌دویدم تا قبل از رفتنش به او بگویم دوستش دارم. گاهی هم سر راهش قرار می‌گرفتم تا جمله طلایی خودم را بگویم. ما با گفتن دوستت دارم، هر روز قبل از ظهر در زندگی‌مان خاطرات لطیف و زیبایی آفریدیم.

صبح روزی که جیم درگذشت، یک کارت تبریک برای روز تولدم در آشپزخانه گذاشت. صدای روشن شدن ماشینش را که شنیدم، به سرعت از رختخواب بیرون آمدم و به طرف جیم رفتم. او شیشه

را پایین کشید و من گفتم: «آقای جیم کارت! اینجا در پنجاهمین سالروز تولدم، من کارول کارت می‌خواهم ثبت شود که دوستت دارم و این به من آرامش و تحمل می‌دهد زیرا آخرین حرفی که به جیم زدم، دوستت دارم بود.»

[[سعید گل محمدی]]

خورشید پشت ابر

سلام بر شما ای خورشید پشت ابر! سلام بر شما در تمامی لحظات سخت غیبت، سلام بر شما در روزهای اشک آلود صبوری‌تان! سلامی از منتظران چشم به‌راه به پدری حبس شده در زندان غربت! وقتی به روزهای تقویم نگاه می‌کنیم، گویی هر روز یک بهانه است برای اینکه به شما فکر کنیم، غیبت‌تان را حس کنیم و دست به دعای آمدن‌تان شویم! یکی از این مناسبت‌ها عید اکبر است، عیدی که ولایت را برای تکمیل رسالت، تثبیت کرد! حماسه غدیر برپا شد تا قدر تقدیر الهی را بدانیم و گرمای امامت ۱۲ سردار عرصه ولایت را با پوست و گوشت خود حس کنیم و مشتاقانه منتظر شما که موهبت دوازدهم هستید بمانیم!

ای پدر مهربان! شما دعا کنید تا دست‌ها توان دارند، تا چشم‌ها می‌بینند و تا دل‌ها می‌تپند؛ همه در رکاب شما باشیم و گرنه آنها

مایه اطلاق عمرند و تباهی! دعا کنید که تا نفس در سینه داریم، کنار شما بمانیم و برای ظهور دعا کنیم! و ما یقین داریم که روزی، این دوستی و حبهان نسبت به شما، عاقبت به خیرمان می‌کند! نمی‌خواهد خودش باشد!

تنها انسان است که نمی‌خواهد خودش باشد! اینجا روی زمین، همان زمینی که تو برای ما ساختی، داریم زندگی می‌کنیم. با خوب و بدش، با خوش و ناخوشش و با زشت و زیبایش می‌سازیم اما یک چیز اینجا حل نمی‌شود؛ آن هم میزان دوری و نزدیکی آدم‌ها به توست! تو به ما نزدیکی و فاصله‌ای میان ما نیست اما ما از نظر نزدیکی به تو یکسان نیستیم. به میزان این نزدیکی و دوری، حالت‌هایمان تغییر می‌کند. این حالت‌ها روابط ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ما به میزان احساس نزدیکی به تو، خوب می‌شویم و به همان مقدار که از تو دور افتاده‌ایم، بد و زشت می‌شویم و توحشی بی‌پایان، ما را در میان می‌گیرد. حس نزدیکی، شاخص خوبی است حتی مهم‌تر از میزان شناخت ما از تو و مهم‌تر از باورها و اعتقادهای ماست.

وقتی تو می‌گویی هستی و به ما نزدیکی، وقتی نشان‌مان

می‌دهی که از شاه‌رگ به ما نزدیک‌تری؛ می‌خواهی حس نزدیکی در ما پر رنگ بشود. می‌خواهی خوب، زیبا و مهربان بشویم. ما هم می‌خواهیم اما وقتی زندگی را شروع می‌کنیم، خودخواه، سخت و بی‌رحم می‌شویم. وقتی با تو هستیم، به همه این‌ها فکر می‌کنیم اما درست کردن اوضاع، ساده نیست! شاید چون به‌جای ساختن خودمان، می‌خواهیم جهان را بسازیم و به‌جای بندگی، می‌خواهیم خدایی کنیم. فکر می‌کنم اگر ما بندگی می‌کردیم و خدایی کردن را به تو واگذار می‌کردیم و اگر نمی‌خواستیم تو بار زندگی ما را به دوش بکشی و اگر هر کسی سر جای خودش می‌نشست، همه چیز درست می‌شد. مشکل این است که روی کره زمین، هر کس می‌خواهد جای دیگری باشد! روی زمین دیگران خانه بسازد و در خانه دیگران زندگی کند و حتی در دل دیگران جای بگیرد. او می‌خواهد هر کسی باشد مگر خودش! این، همان موجود غریبی است که بر همه عالم ترجیحش دادی!

«دکتر حسن اسکندری»

سوخته و ساخته‌ایم!

سال‌ها در تب تو سوخته و ساخته‌ایم

پرچم فتح تو بر بام شب افراخته‌ایم

تا تو یکبار دگر در کف ما آمده‌ای
دل و جان، یکسره در راه هدف باخته‌ایم
تیغ خورشید سحر، وام ز چشم تو گرفت
که از این پهنه شب تا به افق تاخته‌ایم
تحفه ماست دل خویش که درویش صفت
پیش پاهای تو ای خوبتر انداخته‌ایم
همه شب ورد زبانم قد و بالای تو بود
گرچه هرگز دل خونین تو نشناخته‌ایم
هرچه بر سینه دل، تیغ زدم ریشه نکرد
ما که بر ریشه دشمن همه شب تاخته‌ایم
ما که دل‌داده جامی ز سبویت بودیم
این غزل را همگی مشترکاً ساخته‌ایم
تو و مادرت

مرور زندگی گذشته انسان، در بسیاری موارد نه تنها عامل توقف
روند پیشرفت او نیست بلکه در بسیاری موارد، همچون آینه‌ای
صادق، نشان دهنده جزئیات رفتار و گفتار او در برخورد با
عزیزانش و سایرین و تلنگری است برای آنکه بداند که بوده و چه

بوده و چه کسانی با چه خون دل خوردنی او را تا رسیدن به مرحله کنونی همراهی کرده‌اند. این قصه دردناک را با دقت دنبال کنیم و عبرت بگیریم!

وقتی تو یک ساله بودی، مادر به تو غذا می‌داد و تر و خشکت می‌کرد. تو هم با گریه و بیدار نگه‌داشتن او در تمام شب، از زحماتش تشکر می‌کردی! دو ساله که شدی، او راه رفتن را به تو یاد داد. تو هم با فرار کردن و محل نگذاشتن به او، تشکر کردی! وقتی سه ساله شدی، او با عشق برایت غذا آماده کرد. تو هم با ریختن غذا کف اتاق از او تشکر کردی! هنگامی که چهارساله شدی، برایت مداد رنگی خرید. تو هم با رنگ کردن میز و دیوار، از او تشکر کردی تا هنرت را به او نشان دهی! روزی که پنج ساله شدی، لباس زیبا برتنت کرد تا به تعطیلات بروید. تو هم با انداختن خودت در گل، تشکر کردی!

وقتی شش ساله بودی، او تو را تا مدرسه همراهی می‌کرد. تو هم با فریاد: «من نمی‌خواهم بروم»، از او تشکر کردی! وقتی هفت ساله شدی، برایت وسایل بازی خرید. تو هم با پرت کردن توپ به پنجره همسایه کناری، از او تشکر کردی! وقتی هشت ساله

شدی، برایت بستنی خرید. تو هم با چکاندن بستنی روی لباست، از او تشکر کردی! هنگامی که نه ساله بودی، او هزینه کلاس‌های اضافی تو را پرداخت. تو هم بدون زحمت دادن به خودت و خودداری از یادگیری، تشکر کردی زیرا فقط به فکر مسخره‌بازی بودی! وقتی ده‌ساله بودی، او تمام روز را معطل تو بود و رانندگی می‌کرد تا تو را از تمرین فوتبال به کلاس تقویتی و سپس به جشن تولد دوستت ببرد. تو هم با بیرون پریدن از ماشین بدون اینکه به پشت سر نگاه کنی، از او تشکر کردی! این قصه هنوز تمام نشده!

«امیررضا آرمیون»

سفارش برای خانم‌ها

همسرتان را به‌عنوان یک مرد بپذیرید و سعی کنید با آگاهی و دانش، دنیای مردانه او را بشناسید و رفتارشان را بر آن اساس تطبیق دهید. از بهانه‌جویی و کم‌صبری در برابر مشکلات پرهیزید. خود را با برنامه کاری همسرتان وفق دهید. به نیازهای همسر توجه داشته باشید. برای اینکه همسرتان با شما روراست باشد، او را درک کنید و برای افکار و احساسش ارزش قائل شوید. دائم از شوهرتان انتقاد و او را متهم به ناتوانی در برآوردن

خواسته‌های خود نکنید. از همسر انتظار نداشته باشید که با همه ایده‌ها و طرح‌های شما موافق باشد و آنها را تحسین کند. در زمانی که همسر عصبانی است، اصرار زیاد برای جلب محبت او نداشته باشید. برای همسر خود، نقش یک زن حساس و شکننده را بازی نکنید. با دیدن شادی همسران از فعالیت‌هایی که در آنها برتری دارد، شادی کنید و نشان دهید که چقدر برایتان مهم است. از خود گذشتگی و تعهد خود را نسبت به زندگی مشترک به او نشان دهید اما منت بر سرش نگذارید.

وقتی کنارش می‌نشینید، وقایع روز را تا حد امکان مختصر و مفید برایش تعریف کنید اما اگر از گفتار و رفتاری رنجش داشتید، در یک فرصت مناسب آن را بیان کنید. اگر به هر دلیل با همسران قهرید، به محل کارش تلفن کنید و حالش را پرسید؛ فرقی نمی‌کند شما مقصر باشید یا او! به همسران فرصت دهید تا با دوستان و خانواده‌اش معاشرت داشته باشد. اگر شاغل هستید، خستگی کار بیرون را به خانه نیاورید و استقلال مالی خود را به رخ همسر نکشید. حساسیت، زودرنجی و وسواس، حوصله مرد را زود به سر می‌برد؛ از این رفتارها دوری کنید. سنگ صبور و محرم

اسرار همسرتان باشید، تنها کسی که می‌تواند با او درد دل کند، شما هستید.

غرور مرد را به‌خصوص جلوی فرزندان نشکنید و با احترام و ادب با او سخن بگویید. هنگامی که در خانه مشغول کاری است، او را سؤال‌پیچ نکنید و بگذارید کارش را تمام کند؛ بعد به سراغش بروید. اگر از همسرتان اشتباهی سر زد و خودش پشیمان شد و عذرخواهی کرد، فوری بپذیرید. بدانید که کار منزل عبادت است، پس شما کنیز نیستید. به هر طریق ممکن، احترام به پدر را به فرزندان‌تان آموزش بدهید و اقتدار او را حفظ کنید. همیشه از همسر خود روزی حلال طلب کنید و بیش از حد توانش از او چیزی نخواهید. همسر خود را تحسین و تمجید کنید و تشکر و قدردانی خود را زبانی و آشکارا بیان کرده و اطمینان و اعتماد او را کسب کنید.

«اباصلت رسولی»

روستای ایبانه

ایبانه، روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان نطنز در استان اصفهان است که به‌دلیل داشتن معماری و بناهای بومی بی‌نظیر، در سال ۱۳۵۴ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران ثبت شد. با برخی

از جاذبه‌های تاریخی ایبانه آشنا می‌شویم:

مسجد جامع مهم‌ترین بنای تاریخی ایبانه، مسجد جامع است که از دوران سلجوقیان به‌جا مانده و بارها بازسازی شده است. محراب بزرگ مسجد، از چوب گردوی قهوه‌ای ساخته و منبت‌کاری شده و تاریخ ساخت آن، سال ۷۶۶ ه.ق است.

مسجد پرزله قدمت آن به ابتدای قرن هشتم ه.ق باز می‌گردد. کتیبه موجود بر در بخش غربی مسجد، تاریخ ۷۰۱ ه.ق را نشان می‌دهد.

مسجد حاجتگاه این مسجد با قدمتی بیش از ۴ قرن و متعلق به دوران صفویه، در محله زیارتگاه و در کنار قبرستان قدیمی واقع شده و در ضلع غربی روستا و مجاور مسیر چشمه دوابی قرار دارد. ورودی مسجد در ضلع جنوبی آن و بنا دارای شکل مستطیل است. سقف چوبی، ستون‌ها و تیرها و تیرچه‌های چوبی آن بسیار جالب توجه است.

دو خانقاه نیز از دوران صفویه در این روستا به‌جا مانده که دارای نقاشی‌های جالب و ظریفی است. در ایبانه همچنین آثار قلعه وجود دارد. آثاری از یک آتشکده هم در ایبانه وجود دارد.

این بنا دارای قوس‌های سنگی و مصالح آن سنگ و گچ است.

[[محمد رضا فرخو]]

رادار چیست؟

رادار که نام قدیمی آن، «یابنده رادیویی» بود؛ وسیله‌ای است که با استفاده از امواج رادیویی از موقعیت تقریبی هواپیماها یا کشتی‌ها آگاه می‌شود. هنگامی که امواج رادیویی از فرستنده‌ای به فضا ارسال می‌شود، اگر به مانعی مانند هواپیما برخورد کند؛ به زمین منعکس و به وسیله آنتن دریافت می‌شود. تجهیزات مخصوصی، فاصله شیء یا هواپیما را از لحظه ارسال موج تا هنگام دریافت آن، محاسبه می‌کنند. جهت شیء یا هواپیما، با چرخیدن آنتن مشخص می‌شود و مسیر حرکت آن به وسیله نقطه نوری روی صفحه تلویزیونی، نشان داده می‌شود. پس جهت، موقعیت و حرکت شیء را با رادار می‌توان به دقت مشخص کرد.

اولین بار از رادار هنگام جنگ، برای راهنمایی هواپیماهای جنگنده و خلبانان بمب افکن‌ها استفاده شد. سپس ارزش رادار در امنیت پرواز هواپیماهای مسافربری هنگام شب و وجود مه ثابت شد. رادار در صنعت دریانوردی نیز موقعیت خشکی و کشتی‌های

دیگر را مشخص می‌کند. همچنین از رادار برای هشدار در مورد
هوای توفانی استفاده می‌شود.

[[محمد شمس]]

آداب آشامیدن

پیامبر اکرم (ﷺ) فرمودند: «اگر کسی آب بخورد و در میان آن، سه
نفس بکشد؛ از بیماری ناشی از یکجا سر کشیدن در امان
می‌ماند.»

آن حضرت همچنین خطاب به امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند: «ای
علی! ایستاده آب بخور که برای تو مایه قدرت افزون‌تر و سلامت
بیشتر است.»

امام صادق (ع) فرمودند: «ایستاده آشامیدن آب در روز، غذا را
گوارا می‌سازد و ایستاده آشامیدن آب در شب، زرداب می‌آورد.»
پیامبر (ﷺ) هنگام آشامیدن، در ظرف نمی‌دمیدند و چون
می‌خواستند نفس بکشند، ظرف را از دهان خود دور می‌کردند تا
نفس بکشند. آن حضرت فرمودند: «اگر کسی از شما خواست آب
بخورد، جرعه جرعه بنوشد و آب را یکسره سر نکشد زیرا درد
جگر، از یکباره سر کشیدن آب برمی‌خیزد.»

امام رضا (ع) فرمودند: «هر کس می‌خواهد معده‌اش او را آزار

ندهد، در میان غذا آب نخورد تا اینکه غذا خوردنش به پایان
برسد. هر کس چنین کند، بدنش به رطوبت می‌گراید و معده‌اش
ضعیف می‌شود. رگ‌هایش هم نیروی غذا را به خود نمی‌گیرند.
اگر پشت سرهم روی غذا آب ریخته شود، آن غذا در معده نارس
و بدگوارش می‌شود.»

[[مترجم، مسعود سجودی]]

توت سفید

توت سفید، میوه‌ای آبدار، ریز، شیرین و لذیذ است. درخت توت
بزرگ و تنومند و دارای برگ‌های پهن است که در تغذیه گرم
ابریشم مورد استفاده قرار می‌گیرد. میوه، برگ، شیره و پوست
شاخه‌های تازه توت، کاربرد تغذیه‌ای و پزشکی دارند. توت سفید
را به صورت تازه مصرف می‌کنند اما برای مصرف در زمستان، آن
را خشک می‌کنند و از توت برای تهیه مربا هم استفاده می‌شود.
این میوه، خاصیت ملین و سهل‌کننده جریان ادرار دارد.

توت سفید سرشار از املاح معدنی تانن، ویتامین‌های A و C و
مواد چربی است. مواد غذایی توت سفید، وقتی جذب بدن
می‌شوند که صبح ناشتا یا عصر و در فاصله بین نهار و شام خورده
شود. این میوه، خواص زیادی دارد از جمله برای تقویت چشم،

رشد ناخن، جلوگیری از افسردگی، رفع درد دندان، درمان عفونت چشم، خونریزی بینی، سفیدی زود هنگام مو، سرگیجه، رماتیسم و بی‌اختیاری ادرار. قند موجود در توت سفید برای مبتلایان به دیابت ضرر ندارد.

«فاطمه، محسنا کارآموزیان»

چند توصیه خوراکی

معجونی برای سرفه و گلودرد یک قاشق غذاخوری سرپر عسل و چند قطره آب لیموترش را با هم مخلوط و میل کنید. می‌توانید لیموترش تازه (لیمو شیرازی) را دو نیم کنید و در یک شیشه تمیز بریزید و روی آن را با عسل پر کنید. بعد از گذشت یک روز، از این عصاره لیمو و عسل برای درمان گلودرد و سرماخوردگی استفاده کنید. این عصاره را در آب داغ حل کنید و به‌عنوان یک نوشیدنی داغ همراه صبحانه بنوشید.

رفع خارش گلو برای حل این مشکل، مکیدن چند عدد میخک بسیار مفید است.

معجون مقابله با سرماخوردگی اگر احساس سرماخوردگی دارید یا در خانواده شما کسی به آنفلوآنزا یا سرماخوردگی مبتلا است، می‌توانید هر روز صبح به مدت یک هفته، نصف فنجان آب‌لیمو

ترش تازه را با یک سوّم فنجان آب جوشیده ولرم و یک قاشق
مرباخوری عسل مخلوط و همراه صبحانه میل کنید. این معجون
بدن را در برابر ویروس‌های سرماخوردگی مقاوم می‌کند.

[[سعیده یراقی]]

بهار خند

‡ شخصی سوار تاکسی شد. به راننده گفت: «چقدر شکل
خیابان‌های تهران عوض شده! نوع لباس مردم چقدر تغییر کرده!
شکل ساختمان‌ها و مغازه‌ها کاملاً تغییر کرده!» راننده گفت:
«قربان، شما چند سال خارج از ایران زندگی کردید؟» مسافر:
«من در ایران زندگی می‌کنم! اینترنتم قطع شده، از خانه آمدم
بیرون!»

‡ اولی: «املت غذای پولدارها است یا فقیران؟» دومی: «چطور
مگر؟» اولی: «اگر کسی صبحانه املت بخورد، او را مرفه می‌دانند
اما اگر کسی املت را به عنوان ناهار یا شام بخورد، او را جزو
افراد بدبخت و بی‌چیز معرفی می‌کنند!»

‡ اولی: «حکایت مگس هم عجب حکایتی است!» دومی: «چرا؟
مگر چه شده؟» اولی: «اگر یک پنجره فقط دو میلی‌متر باز باشد،

مگس از لای همان پنجره وارد اتاق می‌شود اما اگر همزمان شش تا پنجره را باز نگه داریم، از پنجره بیرون نمی‌رود و مرتب به شیشه می‌خورد!»

یکی از میان جمع بلند شد و گفت: «می‌خواهم یک جمله طلایی بگویم!» همه منتظر شدند تا این جمله طلایی را بشنوند. او گفت: «انسان هرگز نمی‌تواند سه چیز را در زندگی خود فراموش کند!» پرسیدند: «آن سه چیز کدامند؟» او گفت: «اولی صبحانه، دومی ناهار و سومی هم شام!»

† بیمار: «دکتر، همه دندان‌هایم را بکش به‌جز آنکه درد می‌کند!»
دکتر: «چرا؟» بیمار: «تا تنها بماند و دردِ تنهایی را بکشد!»

جناب آقای محبی فرید، سرکار خانم میرابوالحسنی!

اقامه نماز بندگی در کعبه عشق و استشمام عطر گل محمدی و زیارت جنت البقیع گوارایتان
باد!
«ماهنامه بشری»



BOSHRA

A Scientific, Cultural, Social & Sports Monthly

El Reg. No.: ISSN 1735-3652

استان کهگیلویه و بویراحمد، شهر چرام، چشمه بلقیس چرام

Managing Director: Nasrin Atyabi
Address: P.O.BOX 17775/338 Teh.Iran
Fax: +9821 33102466
Cell Phone: +98 912 307 0328
Website: www.kamna.ir

اینتوگرافی: نوید • چاپ جلد: چاپ امیراعلم
چاپ بریل: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۴۸
تلفن: ۳۳۵۱۱۸۸۲-۴ / ۳۳۶۸۰۳۳۱
تلفکس: ۳۳۱۰۲۴۶۶ همراه: ۳۰۷۰۳۴۸ ۰۹۱۲
اجرای جلد: وحید ثابتی

ماهنامه ویژه نابینایان و کم بینایان
مناحب امتیاز و مدیر مسئول: نسرین ایتیابی
ویراستار: سیده زهرا آرامی
امور فنی: رفیع رفیعی - حسین یوسفی فرجزادی
نشانی: ایران، تهران صندوق پستی ۱۷۷۷۵/۳۳۸